



امارت اسلامی افغانستان
وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
امریت افتاء



متن استفتاء محمد ظاهر باشنده اصلی ولایت بغلان.

به مقام محترم وزارت ارشاد حج و اوقاف امارت اسلامی افغانستان

قابل توجه ریاست محترم مجمع علمی

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

وبعد قبلا درباره طلاق بنده و آمنه نظر به ورقه در خواستی آمنه ولد عبدالقدیر فتوی صادر شد اوفعلا موضوع که باقی مانده اولادهایم که سه دختر و پنج فرزند می باشد که فرزندانم هر یک احمدجاوید، احمد جواد احمد ضیاء احمد رشاد و احمد وارث که از جمله فرزندانم احمد جاوید راعاق نمودم باقی فرزندانم به پدر تعلق میگیرد یا به مادر، وهمچنان مبلغ بیست هزار دالر اپارتمان را گرو کردم که در ولایت بغلان زمین مورثی خویش را به فروش رساندم وهمچنان ازسی سال تاحال مال و اموال خانه ام می باشد چطور میشود .

نوت: خانم قبلی ام دیگر کدام حقوق می برد و یا خیر؟ اگر می برد طالب معلومات می باشم .

ازمقام محترم شما خواهشمندم که در باره معلومات شرعی داده ممنون سازند.

باحترام: محمدظاهر.

حکم مقام محترم ریاست: امریت افتاء درمورد استفتاء هذا ابراز نظر شرعی صورت گیرد.

الجواب باسم ملهم الصواب

حامد لله ومصليا علی رسول الله

مستفتی محترم! آنچه را شما در متن استفتاء خود ذکر نموده اید در خصوص آن چنین باید گفت:

که دین مقدس اسلام به عنوان یک دین جامع و فراگیر در همه بخش های حیات بشر رهنمائی های لازم و ارزشمند دارد وبخش زندگی خانوادگی وفامیلی در تعلیمات والای دین مقدس اسلام مورد توجه خاص صورت گرفته است، وهمان طوریکه در طول حیات زوجین دستور قرآنی براین است که «عاشروهن بالمعروف» با زنان تان رفتار نیکو داشته باشید، در صورت که ادامه حیات مشترک ممکن نباشد وبه طلاق منجر شود بازهم دستور قرآن این است که «اوتسریح باحسان» یعنی در صورت جدائی هم نباید کوچکترین بی انصافی در حق همسرتان کنید و باید تمام حقوق باقی مانده وی باکمال میل پرداخت گردد.

وحالا در خصوص حکم مسئله استفتاء شده باید گفت که حق حضانت وپرورش اولادها بعد





امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء



از طلاق تا وقت که به مادر نیاز داشته باشند مربوط مادر می شود و بعد از آن این مسئولیت به پدرشان تعلق میگیرد و فقهاء کرام تقدیر و اندازه این را که تا چند سالگی باید اولادها نزد مادر باشند و بعد از آن به پدر سپرده شوند چنین نموده اند که پسران تا سن هفت سالگی و دختران تا سن نه سالگی باید نزد مادر خود باشند چون در این مدت به پرورش مادر نیاز دارند و بعد از آن پرورش، صیانت و حفاظت از آن ها به پدرشان مربوط میشود.

چنانچه در این مورد در کتاب های معتبر فقه حنفی چنین آمده است: {وَالْأُمُّ وَالْجَدَّةُ أَحَقُّ بِالْغُلَامِ حَتَّى يَسْتَعْنِيَ وَيَقْدَرَ بِسَبْعِ سِنِينَ وَقَالَ الْفُدُورِيُّ حَتَّى يَأْكُلَ وَحَدَهُ وَيَشْرَبَ وَحَدَهُ وَيَسْتَنْجِي وَحَدَهُ وَقَدَرَهُ أَبُو بَكْرِ الرَّازِيُّ بِتِسْعِ سِنِينَ وَالْفَتَّوَى عَلَى الْأَوَّلِ وَالْأُمُّ وَالْجَدَّةُ أَحَقُّ بِالْجَارِيَةِ حَتَّى تَحِيضَ وَفِي نَوَادِرِ هِشَامٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ رَحْمَةَ اللَّهِ تَعَالَى إِذَا بَلَغَتْ حَدَّ الشَّهْوَةِ فَلِلْأَبِ أَحَقُّ وَهَذَا صَحِيحٌ الْفَتَاوَى الْهِنْدِيَةِ ج/ ١ ص/ ٥٤٢، طبع: مکتبه حقانیه.

و همچنان در المبسوط للسرخسی نیز در این خصوص چنین آمده است: {إذا فارق الرجل امرأته ولهما ولد فالأم أحق بالولد أن يكون عندها حتى يستغني عنها فإن كان غلاما فحتى يأكل وحده ويشرب وحده ويلبس وحده وفي نوادر داود بن رشيد ويستنجي وحده وإن كانت جارية فهي أحق بها حتى تحيض وكان القياس أن يستوي الغلام والجارية في ذلك وإذا استغنيا يكون الأب أحق بهما لأن للأم حق الحضانه وذلك ينتهي إذا استغني عن ذلك والحاجة إلى الحفظ بعد ذلك والأب أقدر على الحفظ فإن المرأة تعجز عن حفظ نفسها وتحتاج إلى من يحفظها على ما قيل النساء لحم على وضغ إلا ماذب عنهن فكيف تقدر على المبسوط للسرخسی ج/ ٥ ص/ ٢٠١. مطبعه: دار احیاء التراث العربی.

و همچنان در اللباب فی شرح الکتاب نیز در این خصوص چنین آمده است: {والحاصل أن الفتوى على خلاف ظاهر الرواية؛ فقد صرح في التجنيس بأن ظاهر الرواية أنها أحق بها حتى تحيض، واختلف في حد الشهوة، فقدره أبو الليث بتسع سنين، وعليه الفتوى} اللباب، ج/ ١ ص/ ٢٩٧ طبع: دار الکتب العربی.

بدر نظر داشت عبارات فقهی ذکر شده بعد از جدائی میان زن و شوهرش تا سن هفت سالگی پسران و تا سن نه سالگی دختران باید نزد مادر خود باشند و بعد از آن حفاظت و پرورش آنها به پدرشان تعلق میگیرد، ولی هرگاه طرفین ضرورت احساس کنند و توافق نمایند که بعد از این سن تعیین شده هم باید اولادها نزد مادرشان باشد و خوف فتنه هم نباشد باز کدام مشکلی شرعی در آن دیده نمی شود و میتواند بعد از این سن هم نزد مادرشان بمانند.

و در مورد جزء دوم پرسش شما باید گفت که مبلغ را شما زمین پدری خود را فروخته حویلی را طورگروی گرفته اید اگر واقعیت قضیه همین گونه باشد باز او ملکیت شخصی شما است و خانم





امارت اسلامی افغانستان
وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء



مطلقه شما حق ادعاء در آن را ندارد، و همچنان از وسائل خانه شما نیز آنچه را شما با پول خود خریده باشید باز هم ملکیت شخصی تان بوده و خانم قبلی تان حق ادعاء در آن را ندارد البتہ آنچه را آنها از پول خود خریده باشند ملکیت آن ها بوده شما مانع آن شده نمی توانید، مگر اینکه به رضایت طرفین چیزی را از وسائل خانه که لازم دیدید به یک دیگر خود ببخشید، وبدون رضایت برای هیچ کس حلال نیست که در مال و حق دیگر تصرف نامشروع کند چنانچه در یک روایت چنین آمده است: {عن أنس بن مالك أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: لا يحل مال امرئ مسلم إلا بطيب نفسه} سنن دارقطنی ج/ ۳ ص/ ۲۶ طبع: دارالمعرفة- بیروت.

والبته در مورد حقوق باقی مانده خانم قبلی تان باید گفت اگر شما حق مهرشان قبلا نپرداخته باشید و حالا آن ها تقاضا مهر خود را نمایند باید مهرشان پرداخت گردد چون مهر آن ها در صورتیکه قبلا پرداخت نکرده باشید و یا آنها نبخشیده باشند، دین است در ذمه شما و باید دین موکد خود را اداء نماید. چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: {وَالْمَهْرُ يَتَأَكَّدُ بِأَحَدٍ مَعَانِ ثَلَاثَةِ الدُّخُولِ وَالْخُلُوءِ الصَّحِيحَةِ وَمَوْتُ أَحَدِ الزَّوْجَيْنِ سِوَاءَ كَانِ مُسَمًّى أَوْ مَهْرَ الْمِثْلِ} الفتاوی الهندیه ج/ ۱ ص/ ۳۰۳. طبع: حقانیه.

و اگر دیگر کدام حقوق مالی غیر از مهر مثل اینکه قرض دارشان باشید باید آن نیز در صورت که تقاضا نمایند پرداخت گردد تا کوچکترین بی انصافی و ظلم در حق شان صورت نگیرد.

والله اعلم و علمه اتم

راقم "محمد عارف" مصلح

